

مقدمه مترجم

پژوهش حاضر، ترجمه و تحقیق کتاب *المسلمون و کتابه التاریخ: دراسة فی التأصیل الاسلامی لعلم التاریخ*، اثر عبدالعلیم خضر است که آن را «مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی» در امریکا (۱۹۹۳ م) به چاپ رسانده و در فارسی عنوان *مسلمانان و نگارش تاریخ* یافته است.

اگرچه در میراث ادبی و مکتوب قرنهای اولیه اسلام، «تاریخ» در طبقه‌بندی علوم یک علم مستقل نبود، ولی در قرنهای بعد علم تاریخ میان مسلمانان اهمیت یافت و در جایگاه مناسبی در حوزه مطالعات علمی قرار گرفت. از اوایل قرن نهم هجری با نگارش کتاب *ابن خلدون و نقد اساسی و بنیادی میراث تاریخی اسلامی*، زمینه تحول در پژوهشهای تاریخی به وجود آمد از جمله:

- ضرورت «نقد میراث تاریخی» گذشته؛

- عرضه روشهای علمی «پژوهش» و «نگارش تاریخ»؛

- نگاه فلسفی به تاریخ، و ظهور علمی جدید به نام «فلسفه تاریخ».

در پژوهش حاضر، پس از تجزیه و تحلیل کوششهای چندین ساله تاریخ‌نگاران

مسلمان، مؤلف به دنبال پاسخی شایسته برای این سؤالهاست:

۱. آیا تاریخ‌نگاری اسلامی، برای پژوهشهای تاریخی خود «روش علمی» دارد؟

۲. آیا در حوزه تاریخی اسلامی، «روشی اسلامی» برای تاریخ‌نگاری وجود دارد؟

تاریخ‌نگاری اسلامی یکی از رشته‌های مهم تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی

است، با اینکه چندین اثر در این زمینه نگارش یافته یا به فارسی ترجمه شده؛ از جمله

آثاری از روزنتال، کلود کاهن، ژان سواژه، سجادی و عالم‌زاده، و مقاله‌های

تاریخ‌نگاری در *دانشنامه جهان اسلام* و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ولی هنوز به تحقیق و پژوهش در موضوعاتی همچون منشأ تاریخ‌نگاری اسلامی و میراث‌های مؤثر در آن، روشها و مکاتب تاریخ‌نگاری، شیوه‌های تدوین و تنظیم و انواع تاریخ‌نگاریهای اسلامی نیاز داریم.

در وهله اول تصور می‌شود که اسلام‌شناسان و خاورشناسان غربی با چاپ و تحقیق متون تاریخی، اولین کسانی بودند که قدم در این عرصه گذارده‌اند، ولی اثر عالمانه روزنتال نشان می‌دهد مورخان مسلمان همچون ایجی (د. ۷۸۳ ق) در *تحفة الفقیر*، کافجی (د. ۸۶۷ ق) در *المختصر فی علم التاریخ* و سخاوی (د. ۹۰۲ ق) در *الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ*، گامهای بلندی در روش تاریخ‌نگاری، و نقد متون تاریخی برداشته بودند. و مهم‌تر از همه کتاب ابن خلدون (د. ۷۳۲ ق) اولین اثر جامع و مهم در نقد تاریخ‌نگاری اسلامی بوده است.

در دوره معاصر نیز آثاری همچون: *بحث فی نشأة علم التاریخ عند العرب* از عبدالعزیز دوری، *التاریخ و المؤرخون العرب* از عبدالعزیز سالم، *التاریخ العربی و المؤرخون* از شاکر مصطفی نتوانسته است خلأ موجود را پر کند. شاید آثار جدید که با نگاهی انتقادی نوشته شده است از جمله کتاب *مفهوم التاریخ* (۲ جلد) از عبدالله عروی نویسنده مغربی، و مقالات متعددی از حسن حنفی نویسنده مصری تا حدی توانسته باشد کاستیهای این حوزه را جبران کند. با این همه، هنوز این عرصه به پژوهشهای جدی و اساسی نیاز دارد، و نگارنده به سبب علاقه به این موضوع کوشیده است تا با ترجمه و تحقیق کتاب *المسلمون و کتابة التاریخ* دسترسی خوانندگان فارسی‌زبان و دانشجویان علاقه‌مند را به این اثر آسان کند.

با اینکه در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی کتابهای متعددی چاپ شده است، ولی هنوز مطالب و نکته‌های فراوان، و سؤالهای بی‌پاسخ وجود دارد که به پژوهشهای مستقل نیاز است و در این کتاب به بعضی از آنها پاسخ داده شده است.

این کتاب براساس روش تحقیق تاریخی و کتابخانه‌ای، با تکیه بر منابع میراث کهن اسلامی، و همچنین پژوهشهای معاصر نویسندگان غربی و اسلامی تألیف شده است. در این پژوهش نویسنده کوشیده با استفاده از روش مقایسه، تطبیق و نقد منابع

قدیم و نوین پژوهشهای تاریخی، به استنباط «روشهای علمی» مناسب در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی برسد، و مترجم نیز کوشیده است با افزایش پاورقیهای مناسب با همین روش کاستیهای کتاب را جبران کند.

نویسنده در تحقیق خود به دو گروه از «منابع»: منابع قدیم و کهن اسلامی، و مآخذ و پژوهشهای جدید، به دو زبان عربی و انگلیسی مراجعه کرده است. در گروه اول، به آثار چاپ شده‌ای از طبری، مسعودی، ابن خلدون، ابن جوزی، ابن سعید مغربی، ابوالفداء، ابن تغری بردی، ثعالبی، کافجی، سخاوی و دیگران؛ و آثار خطی دانشمندانی همچون ابن حمدون، صفدی، عمرانی و کافجی، و در گروه دوم، علاوه بر مراجعه به پژوهشهای نویسندگانی چون انور جندی، حسن احمد محمود، حسن عثمان، حسین فوزی نجار، سیده اسماعیل کاشف و دیگران به پژوهشهای نویسندگان غربی چون توینی، ارنست کاسیرر، ویدگری، کالینگوود، روزنتال، هرنشو و اتکن نیز مراجعه کرده است.

مترجم سعی کرده است علاوه بر منابع استفاده‌شده توسط مؤلف، در یادداشتهای هر فصل به منابع بیشتری از قدیم و جدید مراجعه کند.

این اثر دارای هفت فصل است:

در فصل اول، مؤلف مفهومی علمی برای تاریخ و پیوند آن با علوم اجتماعی مانند علوم سیاسی، جغرافیا، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و امثال آن بیان می‌کند. وی ابتدا به چیستی تاریخ می‌پردازد و از اهمیت آن در میان علوم دیگر سخن می‌گوید و سپس نگاهی به آغاز تدوین و نگارش تاریخ، و وظایف تاریخ‌نگار می‌اندازد.

در فصل دوم، به اهمیت تاریخ نزد مسلمانان اشاره می‌کند و اینکه چگونه دانشوران به شاخه‌های مختلف تدوین تاریخ پرداختند، وی شرح می‌دهد که مسلمانان چه ابتکارهایی در این زمینه برای میراث تاریخ بشری به ارمغان آوردند. در این فصل موضوعاتی چون تاریخ در نگرش قرآن، و نخستین تاریخ‌نگاران عمومی اسلامی مانند دینوری، طبری، مسعودی، ابن کثیر و دیگران معرفی شده‌اند. همچنین در این فصل زمینه‌های اولیه و منشأ تاریخ‌نگاری، تأثیر سیره‌نویسی در علم تاریخ، و نخستین سیره‌نویسان مانند ابن شهاب زهری، ابن عقبه، محمد بن اسحاق و نیز فایده

تاریخ و اهمیت آن نزد دانشوران و حاکمان، نقش اخباریان و در پایان عوامل پیدایش تاریخ‌نگاری اسلامی، تجزیه و تحلیل شده است.

در فصل سوم، با عنوان ضرورت راستی و بی‌طرفی در تاریخ‌نگاری، مؤلف می‌کوشد راه‌های بی‌طرفی را ارائه کند، ابتدا نقش پیش‌فرضها را مطرح می‌کند، سپس موضوعاتی همچون ضرورت نقد منابع تاریخی، سفارشهای اسلام به تاریخ‌نگاران و برای مثال روش نقد ابن‌خلدون را شرح می‌دهد. سپس معیارهای ابن‌خلدون در ارزیابی اخبار را عرضه می‌کند.

در فصل چهارم، نظریه‌های تاریخ‌نگاری ابن‌خلدون با عنوان نشانه‌های روش علمی نگارش تاریخ بررسی می‌شود. در این فصل عناوینی همچون، مفهوم عمران یا پیشرفت تاریخی، نقش محیط و عوامل طبیعی در تاریخ، ادوار تاریخ، و نقش عصیت به طور مبسوط آمده است. آنگاه مؤلف مباحث جدیدی را با نام فلسفه تاریخ نزد ابن‌خلدون و رابطه نظریه دانشمند ایتالیایی، ویکو با آن، نظام سیاسی و شرایط حاکمیت در اسلام بررسی می‌کند. آخرین مبحث این فصل معرفی تاریخ‌نگاران دوره پیش‌اخلدونی است.

در فصل پنجم، با عنوان شیوه‌های تاریخی نزد مسلمانان، مؤلف مباحثی همچون شیوه اخبارنویسی، سالشماری، دودمانی، و تاریخ عمومی را معرفی می‌کند. در این فصل تاریخ‌نگاران بزرگی مانند کندی، مسعودی، طبری، دینوری و ابن‌اثیر و ویژگیها و روشهای آنان یکایک معرفی می‌شوند. در پایان درباره روشهای علمی و انتقادی تاریخ‌پژوهانی مانند سخاوی و کافیجی به تفصیل بحث شده است.

در فصل ششم، با عنوان رویکردهای نوین در تاریخ‌نگاری مؤلف می‌کوشد برخی از رویکردهای مادی غربی را در تاریخ نقد کند. در این فصل مباحثی مانند تاریخ از دیدگاه هگل و مارکس، رابطه تاریخ با علم اقتصاد، نظریه‌های ماتریالیستی در فلسفه تاریخ و نقد، تجزیه و تحلیل شده است، آنگاه به نظریه‌های علم تاریخ در دو قرن ۱۸ و ۱۹ اروپا و مهم‌ترین دانشمندان فلسفه تاریخ همچون هوسرل، ریکرت، کروچه، کالینگوود، نورداو و توینبی پرداخته شده است. این فصل پس از بررسی مکتبهای پدیدارشناسی، تاریخ و هنر، طبیعت‌گرایی و نظریات اشیپنگلر و ولز، با

مبحثی به نام تاریخ و آینده‌نگری به پایان می‌رسد.

در فصل هفتم و پایانی، مؤلف با یک اقدام متعهدانه، پس از نقد مکتبهای اروپایی مبحثی با عنوان به سوی روشی اسلامی برای نگارش تاریخ باز می‌کند، نخست نگاه و روش قرآن را در پژوهش تاریخ بررسی می‌کند، آنگاه به منابع آغازین تاریخ‌نگاری اسلامی و سپس به نقش تدوین و کتابت وحی و نقش حدیث و سنت می‌پردازد. در مبحث ویژگیهای تاریخ‌نگاری اسلامی عناوینی چون استقلال و آزادمنشی، پایبندی به اصول اخلاقی و پاسخ به نیازها آمده است. سپس مؤلف به شرح ویژگیهای روش قرآن در تاریخ می‌پردازد.

برای ارائه ترجمه‌ای مفید مترجم سعی کرده است:

۱. با تمام ویژگیهای مثبت این کتاب، متن عربی آن کاستیهایی داشت که در حد امکان رفع شد.
۲. برخی از نقل قولها فاقد کتاب‌شناسی منبع بوده که برای رفع آن اقدام شد، مثلاً گاهی گفتاری از ابن‌خلدون نقل شده ولی به آدرس آن اشاره نشده، در ترجمه علاوه بر کتاب‌شناسی نسخه عربی، منبع فارسی هم ذکر شده است.
۳. در موارد متعدد در گفتارهایی از ابن‌خلدون، سخاوی، هگل، و دیگران از مآخذ درجه دوم به جای منابع درجه اول استفاده شده است، مترجم به منابع اصلی ارجاع داده است.
۴. گاهی هنگام اشاره به آثار و خلاقیت‌های دانشمندان مسلمان، نویسنده از واژه «دانشمندان عرب» استفاده کرده، سعی شده اگر منظور وی عموم دانشمندان بوده، واژه مسلمانان آورده شود.
۵. در بعضی از کتاب‌شناسیها، آدرس ناقص داده شده، و براساس معیارهای کتاب‌شناسی و منبع‌شناسی ارائه نگردیده است. در ترجمه حتی الامکان رعایت شده است.
۶. با اینکه کتاب به هفت فصل تقسیم شده، ولی نویسنده از عناوین فرعی جهت تقسیم‌بندی موضوعی استفاده نکرده است. نیز دیده می‌شود که یک موضوع در دو یا سه جا بررسی شده است همان گونه که نظریات ابن‌خلدون در سه بخش

کتاب بررسی شده، بهتر بود از این پراکندگی اجتناب شود. مترجم برخی عناوین فرعی را داخل کروشه اضافه کرده است.

۷. متن کتاب به طور کامل و دقیق از زبان عربی به فارسی برگردان شده و هیچ مبحثی حذف نشده است.

۸. مترجم یادداشتهای و پاورقیهای توضیحی برای روشن ساختن واژه‌ها یا مباحث خاص، یا نکته‌های انتقادی یا معرفی منابع جدیدی برحسب ضرورت در آخر هر فصل افزوده است.

۹. در صورتی که مأخذ استفاده شده در متن عربی، ترجمه فارسی داشته، آدرس مأخذ ترجمه فارسی آن نیز داده شده است.

۱۰. در این کتاب از دو واژه «روش» و «شیوه» در تاریخ‌نگاری اسلامی در دو معنای متفاوت قراردادی به کار رفته است. منظور مترجم از «روش تاریخ‌نگاری» چگونگی نوشتن و نقل رویدادهای تاریخی یک تاریخ‌نگار مانند: روش روایی، روش تحلیلی یا ترکیبی از دو روش، نیز به کارگیری متد و روش علمی، آماری و یا تجربی در پژوهشهای تاریخی. ولی منظور از «شیوه تاریخ‌نگاری» چگونگی تنظیم و تدوین کتابهای تاریخی مانند «شیوه سال‌شماری»، «تاریخ‌نگاری دودمانی»، «شیوه کتاب طبقات یا تبارشناسی».

ترجمه و تحقیق این کتاب که در اصل پایان‌نامه دوره «کارشناسی ارشد» گرایش «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مترجم است، با راهنماییهای استاد فرهیخته دکتر هادی عالم‌زاده، مدیر گروه، دکتر احمد بادکوبه، استاد راهنما و دکتر محمد سپهری به مرحله چاپ رسید که از این بزرگواران سپاسگزارم.

در پایان نیز از کادر اداری و ویراستاری سازمان سمت، به ویژه خانم عذرا قبله‌ای به دلیل زحمات فراوان و مراجعه و تطبیق ترجمه با متن تشکر می‌نمایم.

صادق عبادی*

۱۳۸۷/۱۲/۱

پیشگفتار نویسنده

ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است ...
پاک و منزّه است، از او یاری می‌جوییم و تنها از او راهنمایی می‌خواهیم.
از بدیهای خود و کارهای زشت و ناشایستمان به او پناه می‌بریم.
درود و سلام بر پیامبر خدا محمد (علیه الصلاة والسلام) و بر خاندان، یاران و پیروان وی
و بر همه کسانی که تا روز رستاخیر به نیکی از ایشان پیروی کنند.
این کتاب، کوششی ناچیز است که می‌خواهم در آن ثابت کنم که
«تاریخ» پدیده‌ای بیگانه در اندیشه اسلامی نیست. مسلمانان آن را از دیگران
اقتباس نکرده‌اند، بلکه روشهای پژوهش تاریخی که اروپا با آن آشنا شد،
نخست، بر کوششهای دانشوران مسلمان در این زمینه تکیه کرد.
مسلمانان نخستین کسانی بودند که تاریخ را به عنوان یک علم، روشمند
ساختند و به سوی گستردگی و عمومیت راه بردند و نظرشان درباره تاریخ، منبعی
برای ثبت عبرتها، شناخت و حرکت زندگی در مسیر زمان بود و این دیدگاه از قرآن
و سنت نبوی سرچشمه می‌گرفت. قرآن، به مسلمانان «اصول و روش» بالنده‌ای در
شناخت حرکت تاریخ بشر عرضه کرد و سپس «قوانین» و «عبرتها»یی را که بر
پدیده‌های تاریخی فرمان می‌راند، برگزید. قرآن همه مطالب کتابهای آسمانی پیش
از خود را گرد آورده و این کار را گاهی با تفصیل و گاه با ایجاز انجام داده است.
در هر دو حالت، قرآن، از ابهام حاکم بر بسیاری از مسائل تاریخی پرده بر گرفت و
آن را بدون پیچیدگی، روشن ساخت. اما سنت نبوی، از درسها و آموزه‌های محمد
مصطفی (ص) انباشته شد و مسلمانان را بر اهتمام و توجه به قرآن به عنوان
سرچشمه‌ای بزرگ برای همه زوایای معرفت، تشویق کرد.

از عبدالله بن مسعود، صحابی پیامبر (ص)، نقل است که: حضرت فرمود: این قرآن، سفره گسترده خداوند است. هر چه می‌توانید، از آن بگیرید. این قرآن، رشته ناگسستی خدا و پرتو روشنی‌بخش و درمان همه دردهای بی‌درمان است. استوار و نگهدار کسی است که بدان درآویزد، و نجاتی است برای کسی که از آن پیروی کند. زنگار نمی‌گیرد که نیاز به زدودن داشته باشد و کژ نمی‌گردد که استوار شود و از کثرت خواندن، فرسوده نمی‌شود و شگفتیهای آن را پایانی نیست. آن را بخوانید که خدا در برابر تلاوت هر حرف آن به شما ده حسنه پاداش می‌دهد. من نمی‌گویم «الم» یک حرف است، بلکه می‌گویم «الف و لام و میم»^۱.

در پرتو آن مفاهیم بلند، مسلمانان راه و روش علمی نگارش تاریخی را آشکار کردند و آن مفاهیم همچنان همراه این دانش، پشتوانه و توجیه‌کننده وجود آن در سراسر تاریخ اسلامی بود.

حقیقتی را که می‌خواهم از لابه‌لای فصلهای این کتاب بیان کنم، ضرورت بازگشت به روش اسلامی نگارش تاریخ است، پس از آنکه در جهان معاصر ما، روشهایی انحراف‌آمیز پدیدار شد که مسئله تفکر تاریخی را در تمدن اسلامی آلوده ساخت و به کژراهه کشاند و در کرانه‌های آن ابرهایی تیره پدید آورد که نشانه‌های اصالت و عمومیت آن را فرو پوشاند.

در فصل نخست این کتاب، کوشیده‌ام مفهومی علمی برای تاریخ و پیوند آن با دیگر علوم اجتماعی مانند علوم سیاسی، جغرافیا، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و جز اینها پایه‌گذاری کنم؛ همچنین روشهای پژوهش و اصول سلامت آن را نوشته و در پایان اهمیت تاریخ را در میان علوم دیگر شرح داده‌ام.

۱. عن عبدالله بن مسعود انه قال: قال رسول الله (ص): «ان هذا القرآن مأدبة الله فاقبلوا من مأدبته ما استطعتم، ان هذا القرآن جبل الله و النور المبین و الشفاء الناجع، عصمة لمن تمسك به، و نجاة لمن تبعه، لا یزیغ فیستعتب، و لا یعوج فیقوم، و لا تنقضی عجائبه، و لا یخلق من كثرة الرد. أتلوه فان الله یاجرکم علی تلاوته کل حرف عشر حسنات، أما إنی لا أقول الم حرف ولكن ألف و لام و میم» (رواه الحاكم).

در فصل دوم به شرح نشانه‌های علم تاریخ نزد مسلمانان پرداخته و این حقیقت را آشکار کرده‌ام که چگونه دانشوران مسلمان (که در آن زمان بسیار فراوان بودند)، وقت و عمر خود را وقف شاخه‌های گوناگون تاریخ ساختند و به تدوین، ترتیب و بالا بردن شأن و مقام آن پرداختند. در میان ایشان کسانی را خواهیم یافت که در نگارش رویدادهای گوناگون به ابتکار و خلاقیت دست زدند و کسانی که در نگارش کتابهای تاریخی جامع، تخصص یافتند.

در فصل سوم به مسئله اهمیت بی‌طرفی، راستی و درستی در نگارش رویداد تاریخی، پرداخته و تأکید کرده‌ام که راز سلامت اندیشه تاریخی نزد دانشوران مسلمان، از طرفی نفی ظن و گمان و از طرف دیگر، دوری از هوای نفس و در نهایت سختگیری در به دست آوردن علم یا یقین بوده است.

در فصل چهارم کوشیده‌ام به نشانه‌های روش علمی در تدوین تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون نزدیک شوم، زیرا او نمونه‌الای مورخان مسلمان است و موفق شده از یک طرف شگفتی دانشوران غرب را برانگیزد و از طرف دیگر به مهم‌ترین پرسشهای نوگرایان پاسخ گوید؛ یعنی ارزش، غایت و معنای تاریخ چیست؟ همه اینها در یک پوشش تحلیلی و استنباطی نوین بیان شده است.

در فصل پنجم از روشهای پژوهش تاریخی نزد مسلمانان سخن به میان آمده که ایشان مسیر آن را معین ساختند و روشهای پیشرفته در آن ایجاد کردند، مثلاً مسائل همانند را در یک جا گردآوردند و برای آن باب جداگانه‌ای اختصاص دادند، یا اینکه تاریخ‌نگاری در پایان روزگار عباسی به درجه‌ای از عینیت‌گرایی، فراگیری و عمومیت رسید که همگی شاهد آن بودیم.

در فصل ششم ضمن پرداختن به مهم‌ترین گرایشهای نوین در عرصه پژوهش تاریخی [در اروپا] سخن خود را بر انحراف این گرایشها متمرکز ساخته و اغراقشان را در بینشهای گوناگون بت‌پرستی، مادی، فلسفی یا نظریه تکامل تاریخ نشان داده‌ام و اینکه چگونه از مسیر حقیقی تفسیر تاریخ دور شده‌اند.

در فصل هفتم دریافتم که داده‌های فصلهای گذشته مرا به سوی روشی اسلامی برای بازنگاری تاریخ رهنمون می‌کند تا خواننده بتواند بر «عبرت» حقیقی از

خواندن تاریخ دست یابد و برای او این فرصت پیش آید که از آنچه به راستی و درستی رخ داده است عبرت بگیرد. این، دعوت جدی من از مورخان، محققان و اندیشوران اسلامی است که در جهان معاصر با یکدیگر همکاری کنند تا به اصول روش اسلامی بازنگاری تاریخ دست یابند، آنگاه بر اساس اصول و مبانی زیر آن را بازسازی کنند:

۱. داده‌های قرآن کریم و روش چندبعدی آن، که برآمده از بینش الهی حاکم بر حرکت تاریخ در گستره زمان است؛

۲. سنت پاک نبوی؛

۳. میراث تاریخی ریشه‌دار نزد دانشمندان مسلمان.

«و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی برمگردانید».^۱

دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن خضر

۱. «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود / ۵۲).